



نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در قلمرو مجازات‌های تکمیلی

عباس شیخ‌الاسلامی *

الهام جلالی **

چکیده

یکی از نهادهای جدید در حقوق کیفری نهاد مجازات‌های تکمیلی است، اگرچه از پیدایش این نهاد حدود یک قرن می‌گذرد اما ماهیت آن هنوز به طور کامل مشخص نشده است. سیاست جنایی ما اولین بار در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به آن پرداخت و از آن زمان تا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحولاتی در قلمرو این مجازات‌ها صورت گرفته که با نوآوری‌هایی در این اقدامات همراه است:

- ۱- حذف عنوان تتمیمی ۲- حذف شرط عمدی بودن و تسری آن به جرایم غیر عمدی ۳- پیش‌بینی محدودیت اعمال مجازات‌های تکمیلی در جرایم تعزیری ۴- افزایش مصادیق آن تا پانزده مورد ۵- افزایش اختیارات قضات در اعمال مجازات‌های مذکور ۶- تصریح و تعیین حداکثر مدت دو سال و مهم‌ترین نوآوری شمول مجازات‌های تکمیلی برای حدود و قصاص است که دارای آثار و تبعات مثبت و منفی خواهد بود.

در مقایسه قانون ایران و فرانسه نیز می‌توان به تفکیک اعمال مجازات‌های تکمیلی در قانون فرانسه برای جرایم خاص در جهت اصل فردی کردن مجازات‌ها و نیز تصریح زمان‌های متغیر با توجه به نوع جرم در اعمال مجازات‌های مذکور اشاره کرد که در ایران پیش‌بینی نشده و قابل نقد و بررسی است.

واژگان کلیدی: نوآوری‌ها، مجازات تکمیلی، پرونده شخصیت، مصادیق، چالش

* دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، وکیل پایه یک دادگستری.

پست الکترونیک: r.sheikholeslami@gmail.com

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

پست الکترونیک: jalalielham59@gmail.com



مقدمه:

مجازات‌هایی که در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای جرایم مختلف در نظر گرفته می‌شد، به لحاظ نحوه نگرش اغلب فقها به مجازات‌های شرعی، نوعاً جنبه بدنی داشت و نیز دید مثبتی نسبت به اعمال مجازات‌های اضافی بر حدود، قصاص و تعزیرات وجود نداشت. به تدریج بر اثر عوامل مختلف تحولی در این زمینه صورت گرفت. تعدیل مجازات‌های شرعی، جایگزین ساختن سایر مجازات‌ها و یا قراردادن مجازات‌های موازی، مورد قبول نظام تقنینی و قضایی کشور شد که پس از فراز و نشیب‌های فراوان به تدریج مجازات‌های عرفی از جمله مجازات‌های تکمیلی و تبعی، مجدداً مورد پذیرش نظام قانون گذاری کشور ما واقع گردید.

در هر دوره اعمال‌کنندگان مجازات از اعمال آن‌ها اهدافی را مد نظر داشته‌اند؛ این اهداف با توجه به زمان‌های مختلف و نیازهای متفاوت جامعه دچار تغییراتی گردیده است. در همین راستا شیوه اجرای مجازات‌ها و حتی نوع و ماهیت آنها نیز تغییر کرده است. مجازات‌های تکمیلی حاصل همین پیشرفت حقوق کیفری است؛ این مجازات‌ها با مزایای اجتماعی و سیاسی افراد، حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان سروکار دارد. متأسفانه نظام تقنینی و قضایی ما توجه چندانی به مجازات‌های تکمیلی و اهداف والای آن نداشته و با دیدی محدود این مجازات‌ها را نوعی کیفیت مشدده می‌داند و بدون توجه به اهداف اصلی و والای این گونه از مجازات‌ها، آنها را به صورتی غیر کارشناسانه به اجرا درمی‌آورد.

بررسی مبنا و اهداف اصلی مجازات‌ها و ایجاد ضابطه‌های دقیقی در این میان ضرورت دارد تا مبدا حقوق و آزادی‌های مشروع افراد جامعه به ویژه محکومان و خانواده آنان بدون ضابطه مشخص قانونی تضییع گردد.

بنابراین سعی می‌شود تا با بررسی مبانی و نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و چالش‌های پیش رو به اصل مهم فردی کردن مجازات‌ها نزدیک‌تر شویم. به هر حال در قرن حاضر به دلیل هدفمند بودن کیفرها و نیز تنوع مصادیق و اهداف آنها، بررسی و ارزیابی آنها ضروری به نظر می‌رسد.

۱. مبانی مجازات‌های تکمیلی

منظور از مبانی مجازات، معیارها، ارزش‌ها و خطوط زیربنایی آن است، وانگهی به دلیل پیوند کیفر با شاخصه‌هایی چون جان، دارایی و آبروی افراد، استوار کردن آن بر پایه‌ای درست و معقول ضروری است. طرز تفکری که بکاریا و پیش از او منتسکیو در

مکتب کلاسیک حقوق کیفری پدید آوردند، در سده نوزدهم تحت تأثیر جریان‌های فکری دیگری که از آنها به نئوکلاسیک و پس از آن تحقیقی یا اثباتی یاد می‌شود، تحول یافت.

برخلاف مکتب کلاسیک که در آن عمل مجرمانه معیار و محور اصلی تلقی می‌شد، مکتب تحقیقی اندیشه‌ها را به سوی بزهکار سوق داد و در برابر اصل آزادی اراده و اختیار انسانی در مکتب کلاسیک، اصل اجبار رفتار مجرمانه را مطرح کرد.^۱

ناکارآمدی اندیشه‌های پیشین و تبادل اندیشه‌ها از طریق برگزاری کنگره‌های بین‌المللی و نیز ایجاد ضمانت اجرای بین‌المللی برای اندیشه‌ها پس از مکتب تحقیقی باعث گسترش اندیشه‌های نوینی شد که پا به عرصه حقوق کیفری نهادند و آموزه‌هایی را مطرح کردند که علاوه بر جبران نواقص آموزه‌های جبرگرا، حلقه گم شده حقوق کیفری را نیز مطرح کرد.^۲

آموزه‌های دفاع اجتماعی و نئوکلاسیک، فردی کردن مجازات‌ها یعنی انطباق کیفرهای مختلف با روحیه و اخلاق و شخصیت مجرم را با نگاهی متفاوت و اصلاح‌طلبانه مطرح کرد. از آنجا که در آن زمان هنوز مکتب نئوکلاسیک ظهور نکرده بود، ذکر مجازات‌های تکمیلی برگرفته از آموزه‌های جبرگرایانه بود که تحت عنوان اقدامات تأمینی مطرح می‌شد و به آن جنبه کیفری می‌بخشید اما این مفهوم در سالیان سال دستخوش تغییراتی گردید، چنانچه امروزه در سیستم قضایی هرگاه بخواهند مجرمی را مجازات بیشتری دهند، از آن استفاده می‌کنند و اعمال این اقدامات نیز احساسی و تحت تأثیر نهادهای قدرت است.

اعمال مجازات‌های تکمیلی به صورت قهری بر مجرم، زمینه را برای فردی‌سازی کیفر از بین می‌برد.^۳ بر همین اساس حلقه گم شده حقوق کیفری یعنی اصل فردی کردن مجازات‌ها متجلی می‌شود؛ اصل فردی کردن کیفر به معنای انطباق کیفرهای مختلف با روحیه، اخلاق و شخصیت هر یک از مجرمان است و توجه به این اصل در مورد اعمال مجازات‌های تکمیلی بیشتر احساس می‌شود، آن چنان که در متن ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ذکر می‌شود «... متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی ...».

این اصل که به دلیل توجه به شخصیت فرد و حقوق انسانی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد توجه بیشتری قرار گرفت، دستاوردهای مطلوبی را به ارمغان

۱- نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۴۹۶.

۲- پرادل، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶.

۳- خسروشاهی، ۱۳۹۱، ص ۵.



می‌آورد. در حال حاضر توجه به مجرم و شخصیت وی رو به افزایش است و متدهای فراوانی توسط متخصصان امر جزا ارایه می‌گردد. طبقه‌بندی مجازات‌ها به مجازات‌های اصلی، تکمیلی و تبعی و اعمال مجازات‌های خاص برای هر مجرم از جمله دستاوردهای قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌باشد لیکن اینکه این تقسیم‌بندی تا چه حد براساس اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد و آیا باعث پیشبرد اهداف والای مجازات‌های تکمیلی است یا خیر، در بند چالش‌های اعمال مجازات‌های تکمیلی به آن پرداخته می‌شود.

۲. تحولات در مصادیق مجازات‌های تکمیلی

برای پی بردن بیشتر به اهداف اصلی و والای مجازات‌های تکمیلی، باید مصادیق آن را مورد ارزیابی قرار دهیم. اولین بار در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۰۴ مجازات تکمیلی در کنار مجازات‌های تبعی بدعت گذارده شد که در ۳ بند خلاصه می‌شد:

۱. محرومیت از حقوق اجتماعی ۲. ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص ۳. اقامت اجباری در محل مخصوص. پس از آن در ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ مجازات‌های تکمیلی در کنار مجازات‌های تبعی و اقدامات تأمینی قرار گرفت و شامل ۶ بند می‌شد، همچنین در پاره‌ای از قوانین دیگر می‌توان به ماده واحده قانون راجع به جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسیله نقلیه موتوری و ماده ۴ قانون تنظیم و توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گرانفروشان اشاره کرد. پس از آن ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ موارد محدودی از قبیل محرومیت از حقوق اجتماعی، ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین و یا اقامت در محل معین را می‌توان از مصادیق مجازات‌های تکمیلی عنوان کرد حتی این موارد در کنار مجازات‌های تتمیمی که خود نوعی مجازات تکمیلی اختیاری بود، قرار داشت و بالاخره ماده ۲۰ همین قانون داشتن مدت معین برای مجازات‌های تکمیلی را بدون تعیین آن مقرر نمود.

لیکن در فصل دوم کتاب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲۳ علاوه بر احصا نمودن ۱۵ مورد مجازات‌های تکمیلی در تبصره ۱ نیز مدت مشخص تا ۲ سال را برای این نوع مجازات‌ها در نظر گرفته است که در قانون سابق این نوآوری‌ها به چشم نمی‌خورد؛ ماده ۲۳ قانون مقرر می‌دارد: دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه شش محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از

مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید.

۱. اقامت اجباری در محل معین
۲. منع از اقامت در محل یا محل‌های معین
۳. منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین
۴. انفصال از خدمات دولتی و عمومی
۵. منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری
۶. منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجاری
۷. منع از حمل سلاح
۸. منع از خروج اتباع ایران از کشور
۹. اخراج بیگانگان از کشور
۱۰. الزام به خدمات عمومی
۱۱. منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی یا اجتماعی
۱۲. توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتکاب جرم
۱۳. الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین
۱۴. الزام به تحصیل
۱۵. انتشار حکم محکومیت قطعی

همان‌طور که در متن ماده مشاهده می‌گردد، قانونگذار علاوه بر حذف عنوان ترمیمی و عنوان جرم عمدی و تسری آن به جرایم غیرعمدی، اعمال مجازات‌های تکمیلی را به حدود و قصاص نیز تسری داده است؛ در قانون سابق این اقدامات فقط در مورد جرایم تعزیری و بازدارنده اعمال می‌شد.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد با ذکر مصادیق بیشتر، اصل تناسب جرم و مجازات رعایت شده و سعی در افزایش اختیارات قاضی را در اعمال یک یا چند مورد داشته است لکن با توجه به ماده ۱۹ و درجه‌بندی مجازات‌ها، آیا بدون اینکه جرایم نیز درجه بندی شود، می‌توان با اعمال مجازات تکمیلی به عدالت ترمیمی مورد نظر سیاست کیفری ایران دست یافت؟

توجه به شخصیت مجرمان و قاعده مهم تناسب جرم و مجازات و دیدگاه قانون‌گذار، قاضی را وادار می‌کند که بنابر اصول وضع شده رأی صادر نماید لیکن آیا در اقداماتی که اهداف بازپرورانه را دنبال می‌کند و وظیفه قضات چند برابر می‌شود، اینگونه نوآوری‌ها به اصلاح و درمان مجرمان کمکی می‌کند و آیا دستگاه قضایی زیربار وظایف خود در خصوص اصلاح و بازپروری و درمان رفته است؟ یا اینکه ما را با چالش‌های



جدیدی در این خصوص مواجه می‌سازد؟
متعاقباً به بررسی چالش‌های اعمال مجازات‌های تکمیلی و بررسی این سوالات
می‌پردازیم.

۳. چالش‌های اعمال مجازات‌های تکمیلی

در اعمال مجازات‌های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تغییرات و
دگرگونی‌هایی نسبت به قوانین سابق مواجه می‌شویم که دارای یک سری ضعف‌های
قانونی است و به نظر ایجاد چالش‌هایی در نظام تقنینی، قضایی و اجرایی حاکم می‌کند
زیرا با اصل تناسب بین جرم و مجازات و شخصی بودن مجازات‌ها مغایرت دارد از
جمله:

۳-۱. اعمال مجازات تکمیلی در حدود و قصاص

نظام جزایی با اعلام کردن و نشان دادن اصیل‌ترین مصالح و ارزش‌های حاکم،
حدود و ثغوری را که جامعه یا قدرت عمومی برای مجازات بزهکاران در نظر دارد،
ترسیم می‌نماید و از طریق تحمیل مجازات افراد را به احترام و رعایت قوانین جزایی
و ادار می‌نماید.^۱

ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می‌کند: دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع
و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل و ساقط نماید؛ این
مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل
یا تبدیل است. همان‌طور که بیان شد، حد را نمی‌توان تغییر داد مگر به نفع متهم و
با توجه به تعریف حد در ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که حد را مجازاتی
می‌داند که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده
است و با توجه به اینکه حدود الهی، احکام خاص خود را دارد، بدیهی است که
هیچ قاضی نمی‌تواند در جرم مستوجب حد مجازاتی بیشتر از مقدار تعیین شده حکم
کند و نباید به قضات اختیار داد تا در حدود شرعی که توسط شارع تعیین شده است،
اعمال کیفر تکمیلی نمایند ولیکن در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عناوین
حد و قصاص نیز به مفاد ماده اضافه شده است.

اعمال مجازات‌های مقرر در ماده ۲۳ برای حدود و قصاص نه تنها مفید و مناسب
نیست، بلکه در بسیاری از موارد آثار معکوس و تبعات منفی دارد و موجب محدودیت

حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی افراد می‌شود، همچنین در اکثر مواقع آثار منفی این محدودیت‌ها و محرومیت‌ها به ضرر افراد ثالث و خانواده محکوم علیه تمام می‌شود به ویژه اگر این محکومیت شامل چند مجازات مقرر در این ماده باشد. هرگونه ادعاهای مربوط به "حمایت و مصلحت اجتماعی" از طریق ارباب و سلب توان بزهکار و یا ادعاهای دلسوزانه مربوط به اصلاح بزهکار، نمی‌تواند برای افزایش میزان مجازاتی که از حد تناسب فراتر است، مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۳. فقدان پرونده شخصیت با توجه به اختیارات وسیع قاضی در اعمال مجازات تکمیلی

در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان شده است که دادگاه می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مجرم مجازات تکمیلی اعمال نماید، بنابراین قاضی باید معیارها و ضوابطی در اختیار داشته باشد و در زمان صدور حکم مجازات تکمیلی، با استناد به آنها رأی صادر نماید. قاضی باید با در نظر گرفتن اصل تناسب میان جرم و مجازات که از اصول مسلم قضایی است، مجازات تعیین نماید. برای این امر بایستی ابزارهای ویژه وجود داشته باشد مانند پرونده شخصیت که این معیار در تعیین مجازات می‌تواند ناظر به شخص مرتکب و رفتار مجرمانه باشد؛ اینکه شخص مرتکب دارای چه خصوصیات روحی روانی است، آیا مسوول اعمال و رفتار خود می‌باشد، قصد و انگیزه او از ارتكاب جرم چه بوده است؟ توجه به علل مواجهه جرم و جایگاه اجتماعی مرتکب و ارتباط جرم با شغل وی، از موارد ناظر به شخص است. در حقوق کیفری ایران، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور صریح در مواد قانونی احصا نشده است، پرونده شخصیت می‌تواند در تمام مراحل دادرسی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی مفید و مؤثر باشد. اطلاع از حقایق مربوط به متهم سبب می‌شود که از همان ابتدا مستنطق یا قاضی، در طرح سوالات و بازجویی، روش‌های مناسب فردی را به کار گیرد و واکنش مناسب را با شخصیت بزهکار اعمال نماید.^۱

اگرچه خلأ تشکیل پرونده شخصیت و چگونگی آن و اینکه این پرونده توسط چه کسانی تشکیل می‌شود با سوال همراه است، با این وجود در لایحه آیین دادرسی کیفری رویکرد مناسب‌تری نسبت به آن اتخاذ شده است. وظیفه بررسی اوضاع و احوال هر جرم و مسایل اجتماعی و روانی مربوط به مرتکب



آن به قاضی واگذار شده است.^۱ اختیارات قاضی براساس اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، محدود به تعیین مجازات بین حداقل و حداکثری است که در قانون معین شده، لیکن قاضی می‌تواند مجازات را با در نظر گرفتن شرایطی تخفیف دهد یا تشدید کند. اعطای این اختیار وسیع از سوی مقنن به قضات تحت تأثیر افکار علمای حقوق کیفری صورت گرفته تا با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال مختلف به ویژه شخصیت مجرم، این امکان را به قاضی بدهد تا کیفیت ارتکاب جرم، نقش مجرم و میزان دخالت بزه دیده را در سیاست کیفری دخیل کند.^۲

بهتر است قضات در اعمال مجازات‌های تکمیلی مد نظر داشته باشند مصادیقی را که به عنوان مجازات تکمیلی از ماده ۲۳ انتخاب می‌کنند، در ارتکاب جرم نقش مؤثر داشته باشد؛ خصوصیات اخلاقی مجرم، شخصیت روانی، موقعیت شغلی و شأن و منزلت اجتماعی و خانوادگی او در نظر گرفته شود، به طوری که برای مجرم خاصیت بازدارندگی و اثر اصلاحی و نسبت به ارزش‌های جامعه اثر حمایتی و فایده اجتماعی داشته باشد. در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات‌های تعزیری به ۸ درجه تقسیم‌بندی شده و مقنن در ماده ۲۳ برای مجازات‌های تعزیری تا درجه شش در پانزده بند مجازات تکمیلی تا دو سال متناسب با جرم ارتكابی در نظر گرفته است.

متأسفانه می‌بینیم که جرایم درجه‌بندی نشده و قانونگذار به طور کلی به قاضی اختیار اعمال مجازات تکمیلی تا دو سال را برای تعزیرات تا درجه شش داده است، بهتر این بود که مقنن مانند قانون جزای فرانسه لاقلاً برای برخی جرایم مهمتر مانند جاسوسی، جرایم علیه امنیت، جرایم علیه اشخاص و ... جداگانه و به صورت متغیر و خاص هر جرم مجازات تکمیلی تعیین می‌کرد و اینگونه اختیارات وسیع مبنی بر اضافه کردن مجازات به قاضی نمی‌داد.

تعیین مجازات متناسب با شدت و اهمیت جرم و آثار ناشی از آن بر نظم عمومی و از جهاتی ناظر به جرم است، به عنوان مثال صدور رأی تکمیلی مبنی بر مرخصی نرفتن مجرم در زمان محکومیت به نظر نوعی عدالت سزادهی است تا عدالت ترمیمی، زیرا مرخصی نرفتن مجرم در زمان محکومیت به رفتار او و بررسی پرونده شخصیت وی و بعضی معیارهای دیگر بستگی دارد، پس قاضی نباید از همان ابتدا محکوم را به عنوان مجازات تکمیلی از مرخصی محروم نماید، بنابراین وجود معیارها و ضوابط دقیق در هنگام صدور رأی می‌تواند اختیارات قاضی را تا حدودی محدود کرده و به جلوگیری

۱- صانعی، ۱۳۷۱، ص ۲۴۱.

۲- صفوی، ۱۳۸۹، ص ۳۲.

از ضایع شدن حقوق مجرم منتهی گردد.

در مجموع می‌توان گفت اعمال مجازات‌های شدید، خشن و نامتناسب با جرم ارتكابی، از آن جهت که یک نوع استفاده ابزاری از انسان مجرم است، با حیثیت و کرامت ذاتی انسان مغایر است؛ انسان‌ها حق دارند در مقابل این گونه رفتارها و مجازات‌ها که در واقع به معنای انکار غایت بودن انسان است، مصون باشند.

۳-۳. اعمال مصادیق غیر کارشناسانه

برخی از بندهای ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با شخصی بودن مجازات‌ها منافات دارد و در بسیاری از موارد مجازات‌های تکمیلی به خانواده مجرم نیز تحمیل می‌گردد، به عنوان مثال بند ۱ و ۲، اقامت اجباری در محل معین و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین، عوارض ناشی از آن برای مجرمانی که سرپرست خانواده می‌باشند، بسیار سنگین و متحمل ضرر و زیان‌هایی برای خانواده آنان است و بر سلامت روانی خانواده تأثیر نامطلوبی دارد، از جمله از دست دادن حق انتخاب در فعالیتهای فردی و اجتماعی روزمره برای همسر و فرزندان آنان که تجربه‌ای تکان دهنده و دردناک است.

محرومیت‌های بیرونی و واکنش‌های اجتماعی نسبت به مجرمان و خانواده آنان می‌تواند هویت فرد را تحت تأثیر قرار داده و نگرش او را نسبت به جامعه تغییر دهد. نظریه برچسب زنی بر این معنا تدوین گردیده است؛ اساس و مبنای انحرافات اجتماعی، تعریفی است که جامعه از برخی رفتارهای انسان دارد یعنی مجازاتی که قرار بود از انحراف جلوگیری کند، خود عامل انحراف بیشتر می‌شود زیرا راه‌های دیگر را بر شخص برچسب خورده و خانواده وی بسته‌اند.

طبیعی است که بزهکار از لحاظ صلاحیت اخلاقی و اجتماعی نمی‌تواند با افراد نا کرده بزه در یک کفه ترازو قرار بگیرد، چرا که با ارتکاب جرم باعث بدبینی جامعه به خود شده ولیکن بهتر است در انتخاب مصادیق مجازات تکمیلی کلیه جوانب را سنجید؛ منع رانندگی با وسیله نقلیه موتوری برای مجرمی که از این طریق امرار معاش می‌کند، می‌تواند خانواده مجرم را دچار مشکلات بارزی کند و در نهایت زیر فشار هزینه‌های زندگی احتمال بروز جرم‌های جدیدی در این قبیل خانواده‌ها خواهد بود و با اصل شخصی بودن مجازات‌ها منافات دارد.

خانواده دارای کارکردهای آموزشی، اقتصادی، عاطفی و فرزندپروری است. کمرنگ شدن نقش هر یک از اعضای خانواده عاملی است که منجر به از هم پاشیدن ساختار



خانواده و آسیب‌های مقتضی آن می‌شود. مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد بند ۱۴ در خصوص الزام به تحصیل است که البته با توجه به تبصره ۱ ماده ۲۳ نباید بیشتر از دو سال باشد، پس این بند چه لزومی دارد و چه مشکلی را حل خواهد کرد، جز اینکه اگر فرد استعداد نداشته باشد، فقط متحمل هزینه‌هایی برای دولت و خانواده وی می‌گردد؟ و یا بند ۶ ماده در خصوص منع از داشتن دسته چک، به نظر کارشناسانه نمی‌باشد و ممکن است در برخی موارد مانند اختلاس و یا کلاهبرداری‌های کلان لازم باشد تا مدت اعمال آنها تغییر یابد و بهتر بود بر حسب مورد، زمان‌های متفاوت برای جرایم متفاوت و بر اساس میزان شدت و خطر آنها، اعمال می‌شد.

بسیاری از مصادیق ذکر شده اگرچه در برخی از جرایم می‌تواند جنبه اصلاح و بازپروری داشته باشد ولیکن با توجه به اختیارات وسیع قاضی، اگر به صورت کارشناسانه اعمال نشود نه تنها با اصل تناسب بین جرم و مجازات منافات دارد و با اصل فردی کردن مجازات‌ها مغایر است بلکه موجب تضعیف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌گردد و به نظر عادلانه و موثر نمی‌باشد.

۴. نقاط افتراق اعمال مجازات تکمیلی در ایران و فرانسه

در قانون فرانسه مجازات‌های تکمیلی به مجازات‌هایی گفته می‌شود که قانون‌گذار برای هر جرم به صورت خاص پیش بینی نموده است و به جهت تکمیل مجازات اصلی در رأی دادگاه قید می‌شود، با توجه به تعریف هیچگاه به تنهایی در احکام دادگاه قید نمی‌شود.

در قانون فرانسه مجازات تکمیلی دارای ویژگی‌هایی است.

۱. در کنار مجازات اصلی دادگاه قید می‌شود و مانند مجازات اصلی قابلیت اجرایی دارد؛ این ویژگی تفاوت مجازات‌های تکمیلی و مجازات‌های جایگزین را در قانون فرانسه مشخص می‌کند.

۲. برای هر جرمی قانون‌گذار یک مجازات خاص تکمیلی اعلام می‌نماید، از این باب است که در فصول قانون مجازات فرانسه یک فصل به بیان مجازات‌های تکمیلی می‌پردازد.

۳. قلمرو این نوع مجازات‌های تکمیلی شامل تمام جرایم جنایی، جنحه‌ای، خلاف می‌باشد. در ماده ۱۰-۱۳۱ قانون مجازات فرانسه در بیان مجازات تکمیلی جنایات و جنحه چنین اعلام داشته است: در مواردی که قانون پیش‌بینی نموده است یک جنایت و یا جنحه می‌تواند با یک یا چند مجازات تکمیلی در مورد اشخاص حقیقی اعمال



شود، این مجازات‌ها شامل ممنوعیت از یک حق و یا سلب آن، عدم صلاحیت برای استفاده از یک حق و یا الغای آن، الزام به معالجه یا الزام به انجام کار، توقیف و یا ضبط یک شیء، بستن یک موسسه یا اعلان عمومی یک حکم یا پخش آن در مطبوعات و در رسانه‌های سمعی و بصری همگانی می‌باشد.^۱

در زمینه جرایم خلافی قانون‌گذار فرانسه مواد ۱۶-۱۳۱ و ۱۷-۱۳۱ را برای جرایم خلافی درجه ۵ و مجازات‌های مذکور در ۱۶-۱۳۱ را برای سایر جرایم خلافی به عنوان مجازات‌های تکمیلی معرفی نموده است؛ در قانون فرانسه مجازات‌های تکمیلی اجباری در جرایم جنایی و جنایت‌ها و جنحه‌ای تروریستی و جنحه‌های علیه منافع اساسی ملت فرانسه اعمال می‌گردد و در ماده ۳-۴۲۲ قانون جزای جدید فرانسه در موارد جرایم تروریستی در ۳ بند تشریح شده است.^۲

۱. محرومیت از حقوق اجتماعی، مدنی، سیاسی ۲۶-۱۳۱ و در ماده ۲۹-۱۳۱ مجازات‌هایی شامل حق رأی دادن، حق انتخاب شدن، حق انجام کار قضایی یا کارشناس بودن در محکمه، حق شهادت دادن در مرجع قضایی، حق قیومت و مراقبت مطرح شده است و در ماده ۳-۴۲۲ مدت محرومیت در مورد افراد که مرتکب جرایم جنایی شده، از انواع جرایم تروریستی ۱۵ سال و در جرایم جنحه تروریستی ۱۰ سال ذکر شده است اما در تبصره ۱ ماده ۲۳ قانون ایران مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نمی‌باشد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگر مقرر نموده باشد.

۲. ممنوعیت از اشتغال به یک شغل عمومی و یا فعالیت اجتماعی و حرفه‌ای در قانون فرانسه در ماده ۳۱-۱۳۱ مدت محرومیت‌ها را بین ۱۰ تا ۱۵ سال در جرایم جنحه‌ای و جنایی تروریستی اعلام کرده است. قانون‌گذار فرانسه در سال ۱۹۹۴ دادگاه را مکلف به صدور مجازات تکمیلی فقط در جرایم تروریستی ناشی از جرایم عمومی ۱-۴۲۱ و تروریسم زیست محیطی ۲-۴۲۱ کرده بود اما در سال ۱۹۹۶ اعمال مجازات‌های تکمیلی به تمام جرایم تروریستی تعمیم داده شد و در سال ۲۰۰۱ طبق ماده ۵-۴۲۱ کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که جرایم تروریستی مرتکب شده‌اند، به مجازات تکمیلی مصادره تمام یا قسمتی از اموال که ماهیت آن خواه منقول و یا غیر منقول باشد، محکوم می‌شوند اما در مورد مجازات‌های تکمیلی اختیاری در قانون فرانسه باید بیان کرد افراد خارجی که در فرانسه مرتکب جرایم تروریستی و یا جرایم علیه منافع اساسی ملت شوند، براساس ماده ۴-۴۲۲ به عنوان مجازات تکمیلی

۱- Pelletier, ۲۰۰۳, ۴۴۸, ص ۱

۲- مجیدی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۷.



اختیاری اخراج و از حضور آنان در خاک فرانسه ممانعت می‌شود، از طرفی در ماده ۴۱۴-۶ قانون گذار فرانسه امکان اعمال مجازات‌های تکمیلی اختیاری را نسبت به بخش اول (جاسوسی و خیانت به کشور) و بخش دوم (لطمات علیه تاسیسات جمهوری و تمامیت ارضی فرانسه) نیز تسری داده است.^۱

بنابر مطالب گفته شده مجازات‌های تکمیلی در فرانسه به صورت متغیر و در هر جرم به صورت خاص و جداگانه تعیین شده است و بیشتر در جرایم امنیت کشور و جرایم تروریستی لحاظ می‌گردد ولیکن در قانون ایران در این قبیل جرایم به مجازات‌های تکمیلی اشاره‌ای نشده و به صورت کلی در جرایم تعزیری تادرجه شش قابل اعمال است که به نظر این مجازات‌ها در قانون فرانسه، دقیق‌تر و به عدالت مطلق نزدیک‌تر است، همچنین در نظام کیفری فرانسه در مقایسه با حقوق کیفری ایران پرونده شخصیت دارای جایگاه رفیعی است. در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تحقیق درباره شخصیت متهم و وضعیت مادی، خانوادگی و اجتماعی وی پیش‌بینی شده که این تحقیقات در مرحله مقدماتی در امور جنحه‌ای، اختیاری و در امور جنایی، الزامی است اما در ایران تشکیل پرونده شخصیت صراحتاً و به عنوان یک رویکرد محوری در مراحل رسیدگی کیفری پیش‌بینی نشده است که در مبحث چالش‌ها به چرایی لزوم تشکیل آن پرداختیم.

نتیجه

قانون گذار ایران هرچند در قلمرو مجازات‌های تکمیلی نسبت به سابق نوآوری‌هایی نظیر: ۱. پیش‌بینی محدودیت اعمال مجازات‌های تکمیلی در جرایم تعزیری تا درجه شش ۲. افزایش مصادیق آن تا پانزده مورد ۳. افزایش اختیارات قضات ۴. تصریح و تعیین مدت زمان تا دو سال ۵. اعمال مجازات‌های مذکور برای حدود و قصاص و... داشته است اما با توجه به اینکه مصادیق مجازات‌های تکمیلی باید اهداف اصلاحی را دنبال کند و از آنجا که رسیدن به رویکردهای بازپرورانه، سیاست‌های خاصی را می‌طلبد، ضروری است که دستگاه قضایی ما در اعمال مجازات‌های تکمیلی که اهم آنها محرومیت‌های اجتماعی است، اهتمام بیشتری بورزد. متأسفانه تجربه نشان داده است که دستگاه قضایی ما هیچ‌گاه زیر بار وظایف خود در خصوص بازپروری نرفته و همواره یک رویکرد سزاده را سرمنزل خود قرار داده است.

اثربخشی کیفی‌های تکمیلی نسبت به مجرمان بر حسب شخصیت و پیشینه کیفری آنان متفاوت است، بدین ترتیب می‌توان به سجل کیفری مجرمان جهت تعیین انواع مجازات‌ها توجه بیشتری داشت، بدیهی است که متغیرهای مذکور مستلزم تمهید ابزارهای متناسبی مانند تنظیم پرونده شخصیت و امکان دسترسی سریع به سجل کیفری و یا سیستمی منسجم برای قضات می‌باشد، چرا که افزایش مجازات‌های تکمیلی و محرومیت‌های اعمال شده بر فرد باعث برچسب خوردگی شخص و در نتیجه مشکل در پذیرش فرد از سوی جامعه می‌شود، امری که می‌تواند منتهی به افزایش تکرار جرم شود.

در نظام کیفری فرانسه، اعمال مجازات‌های تکمیلی در جرایم مختلف به صورت جداگانه و طبق نظر جرم‌شناسان و حقوق‌دانان پیش‌بینی شده و در راستای فردی کردن مجازات‌ها، اقدامات مقتضی صورت گرفته است که در مقایسه با ایران اصل تناسب جرم و مجازات بیشتر رعایت گردیده و کارشناسانه است، بنابراین تعیین اهداف مجازات‌های تکمیلی، ارزیابی علمی و مستمر آنها، توجه نمودن به نقاط ضعف و قوت آنها و تمهید زمینه‌های مناسب جهت افزایش میزان اثربخشی این اقدامات در ایران از جمله نکاتی است که می‌تواند در مراحل مختلف سیاست جنایی



تقنینی، قضایی و اجرایی مورد توجه قرار بگیرد و ما را به اهداف والای مجازات‌ها برساند.

با عنایت به مطالب یاد شده پیشنهادها و راهکارهای زیر ارائه می‌گردد:
۱- با استفاده از تلفیق علم و تجربه باید به میزان اثر بخشی قوانین توجه شود تا به اهداف والای مجازات‌های تکمیلی دست یابیم.

۲- بنابر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، تعیین مجازات تکمیلی برای حدود و قصاص و جاهت قانونی ندارد و نباید در مورد آنها اعمال گردد.
۳- اختیارات قضات را در تعیین و اعمال مجازات‌های تکمیلی محدود کرده و با توجه به درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری بهتر است که جرایم نیز درجه‌بندی شود و برای هر جرمی مانند قانون فرانسه حسب مورد مجازات تکمیلی و مقررات مدون و منسجمی تدوین و تصویب گردد که لازمه آن تغییر کتاب پنجم تعزیرات است، به عنوان مثال در زیر هر ماده با توجه به ویژگی‌های جرم و مجرم جهت محدود کردن دست قضات مجازات تکمیلی خاصی ذکر گردد.

۴- به منظور ایجاد تناسب بین جرم و مجازات، برای هر یک از مصادیق مختلف در بندهای ماده ۲۳ مدت زمان‌های جداگانه مبتنی بر نوع و شدت جرم تعیین گردد، نه اینکه برای هر پانزده بند، مدت تا دو سال اعمال گردد.

۵- در اعمال مجازات‌های تکمیلی، ابزارها و معیارهای دقیق با تشکیل پرونده شخصیت وجود داشته باشد تا قضات بتوانند با ضابطه‌های دقیق و مشخص و با استدلال در حکم به اعمال مجازات بپردازند تا حقوق خانواده‌های مجرمین تضییع نگردد.

۶- در نهایت آموزش دقیق قضات و برگزاری همایش‌هایی جهت تبادل اطلاعات و بیان مشکلات و بررسی دقیق‌تر چالش‌های اعمال مجازات‌های تکمیلی جهت رسیدن به اهداف مشخص نظام قانونمند جمهوری اسلامی ایران.

فهرست منابع:

- ۱) افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، تهران، فردوسی، ۱۳۷۴.
 - ۲) پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
 - ۳) خسروشاهی، قدرت‌الله؛ اکبری فرد، احسان، ماهیت و فلسفه مجازات‌های تکمیلی در سیاست جنایی ایران، انتشارات بوم سازه مرجع دانش، نخستین همایش ملی فلسفه حقوق با تأکید بر فلسفه حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رام هرمز، ۱۳۹۱.
 - ۴) صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد یک، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.
 - ۵) صفوی، سید حسین، اصل تناسب مجازات در سیاست جنایی قضایی ایران، ماهنامه دادرسی، سال چهاردهم، ۱۳۸۹، شماره ۷۹.
 - ۶) مجیدی، سید محمود، جرایم علیه امنیت، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۶.
 - ۷) نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری، تهیه و تنظیم مهرداد رایجیان اصلی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
 - ۸) نجفی توانا، علی، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهدکار، فصلنامه خانواده پژوهشی، سال پنجم، ۱۳۸۸، شماره ۱/۱.
- Pelletier(Herve) et Jean Perfetti , Code penal , Lite15c , ed .
Paris2003